

فرهنگستان

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نجفگان، نگه جوانان

۱۶ صفحه
تیران ۳۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۱۴۴
چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۰
۱۴۴۳
۸ سپتامبر ۲۰۲۱
شماره ۳۴۰۶

در ۱۱ دوره مجلس از حدود ۳۰۰ طرح تحقیق و تفحص مصوب، فقط دو طرح به نتیجه رسیده است

پروژه شکست خورده تحقیق و تفحص

واپس گزایی و تاجر روی دیگر سکه اشغالگران خارجی است، چرا راه نجات افغانستان در مشارکت همه طیف‌های سیاسی و مذهبی است؟

افغانستان؛ زیر تیغ

صفحه ۷ را بخوانید

صفحه ۲ را بخوانید



www.Fdn.ir | Wed 8/17/2020 12:22:16 PM

کودتای فراری‌ها در بازار

لوازم خانگی

چند برند مشهور خارجی لوازم خانگی که در آغاز تحریم با آمریکا همراهی کردند، می‌خواهند دوباره بازار ۶ میلیارد دلاری ایران را بگیرند



صفحه ۸ را بخوانید

بیژن بیرنگ، کارگردان سریال‌های خاطره‌ساز تلویزیون در گفت‌وگو با فرهیختگان:

قرار بود مهدی هاشمی و گلاب آدینه در خانه سبز بازی کنند

«۱۳، ۱۲»

نگاهی به زندگی و نوشته‌های هوشنگ مرادی کرمانی به بهانه سالروز تولدش

برای ما قصه بگو

«۱۶»

در آستانه سال جدید تحصیلی، دانشگاه‌ها تصویر مبهمی دارند

بیم‌و امید بازگشت دانشگاه به وضعیت سفید

«۸، ۴»

« یادداشت

« گفت‌وگو

ایران به دنبال تحقق اراده مردم در افغانستان است

ترگس چهرقانی
روزنامه‌نگار

روز گذشته سردار قانئ، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی حضور پیدا کرد و به نمایندگان پیرامون آخرین وضعیت تحولات افغانستان گزارشی ارائه داد. در همین رابطه بسا محمود عباس‌زاده مشکی‌نی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس شورای اسلامی پیرامون جمع‌بندی این کمیسیون درقبال بحران افغانستان با توجه به جلسه غیرعلنی روز گذشته مجلس مصاحبه کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو در ادامه از نظر شما می‌گذرد.

|||

درباره رویکرد کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی پیرامون مناقشه افغانستان صحبت‌های ضدو تقیضی زده می‌شود. موضع نهایی کمیسیون امنیت ملی پیرامون اتفاقاتی که در افغانستان رخ می‌دهد چه درباره طالبان و چه در مورد جبهه مقاومت پنجشیر چیست؟

جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسائل اخیر افغانستان وبراساس منافع ملی کشور در افغانستان جمع‌بندی دقیق واولویت‌بندی‌های بسیار خوبی دارد. در همین راستا وبراساس اولویت‌بندی‌ها مجاری افغانستان را رصد کرده‌و راهبردهای کشور را پیگیری می‌کند. آنچه برای ایران مهم است، تحقق اراده مردم افغانستان در تعیین سرنوشت خودشان است. افغانستان کشوری خاص و متنوع از لحاظ اقوام و مذاهب است که آمریکا ۲۰سال آنجا اشغال کرده بود. علی این ۲۰سال اصولا باید آمریکایی‌ها زیرساخت‌های امنیتی را در افغانستان فراهم می‌کردند اما متأسفانه این کار را انجام ندادند و نهایتا با شکستی مقتضحانه مجبور به خروج از افغانستان شدند. آمریکایی‌ها روزانه ۳۰۰ میلیون دلار در آنجا هزینه می‌کردند و نتیجه این هزینه کردن، بیش از ۱۰ هزار کشته در افغانستان بود که حتی بعضی از سربازان پس از بازگشت به آمریکا خودکشی می‌کنند و تبعات اجتماعی سنگینی به آمریکا تحمیل می‌شود، به طوری که در طول تاریخ سرانجام آمریکا در افغانستان بدتر از سرانجام آمریکا در ویتنام شد. همچنین درست است که آمریکا از افغانستان خارج شده اما طبیعتا بعید نیست که توطئه‌های جدیدی را طراحی کرده‌و برای جمهوری اسلامی ایران نیز تله‌گذاری کرده باشد. به همین خاطر موضع جمهوری اسلامی ایران یعنی تحقق اراده مردم افغانستان کاملا شفاف است. اما طبیعتا افغانستانی‌تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی ایران است که یکپارچگی ارضی اش تأمین و تضمین شده و کاملاً آباد و آزاد باشد و به تعبیری جنگ داخلی در آن نباشد. همچنین دولت‌ها با نظر مردم شکل بگیرند و قاعده‌رای اکثریت حاکم باشد. چنین افغانستانی که بدون دخالت خارجی به‌سر بیبرد بیشتر از همه چیز تأمین‌کننده منافع جمهوری اسلامی ایران است و ما می‌باید در این مسیر حرکت کنیم. البته بعضی کشورهای خالت‌هایی کرده که شرایط افغانستان را پیچیده‌تر می‌کند.

ظهور طالبان در افغانستان، امنیت مرزهای شرقی ما را تحت‌تأثیر قرار نداده است؟
کشور ما مرکز صلح، امنیت و آرامش در منطقه است. ایران تعیین‌کننده‌ترین قدرت در منطقه است که هیچ مناسباتی بدون حضور و اراده اش شکل نمی‌گیرد و طبیعتا امنیت جمهوری اسلامی ایران هم با این چیزها تهدید نمی‌شود. ایران بزرگ‌تر و مقتدرتر از آن است که از این مجموعه‌ها احساس تهدید کند و اصلا نوازش هم وجود ندارد. قدرت سخت و نرم در ایران به طوری است که ما الان صادرکننده مدرن‌ترین تجهیزات و تسلیحات نظامی به ۴۰ کشور دنیا هستیم و چنین اتفاقاتی در افغانستان برای ما تهدید محسوب نمی‌شود.

پیش‌بینی‌ای نسبت به آینده افغانستان دارید؟

اگر سایه بیگانگان از منطقه قطع شود و دخالت بیرونی در مسائل درونی افغانستان صورت نگیرد، آینده روشن است. مردم افغانستان، مردم سخت‌کوشی هستند و اقوام مختلف می‌توانند دور هم جمع شوند و سرنوشت کشورشان را به خوبی رقم بزنند. در این مسیر هم هر کمکی از جمهوری اسلامی ایران بخواهند، ما مضایقه نخواهیم کرد.

عمادالدین پاینده
اندیشکده حکمرانی رفیف

مؤرر ارشد سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در سال ۲۰۰۰ طی یادداشتی به تشریح و تجلیل از نقش سیار در تأسیس و تأمین مالی مخفیانه رادیو اروپای آزاد به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین ابتکارات ایالات متحده در پیروزی بر بلوک شرق در دوران جنگ سرد می‌پردازد. او در بررسی علل و عوامل زمینه‌ساز غمخیز عمیق این پروژه در کشورهای بلوک شرق و ایجاد نا رضایتی‌های گسترده مردمی تصریح می‌کند از همان ابتدا نیز سیا مشخص بود واکنش اتحاد جماهیر شوروی و آلمان شرقی به این پدیده نوظهور محکوم به شکست است؛ به دیگر سخن، این مؤرر سابق سیامدعی است زمانی که ایالات متحده در ۱۹۵۰ به سرمایه‌گذاری عظیم در زمینه توسعه زیرساخت ارتباطی (مخابرات و تقویت فرکانس)، تأسیس دفاتر تحریریه خبر، تربیت نیروی رسانه‌ای و طراحی اصول برجسته‌سازی آ پدیده‌های اجتماعی پرداخت، کاملاً واضح و مبهرن بود که پاسخ حا کیمیت متمرکز و غیرمنعطف کمونیسم به این اتفاق چیزی جز دست یازیدن به مداخلات مرسوم فیزیکی همچون دستگیری، پرونده‌سازی، ترور و نظایر آن نیست؛ تو گویی برای مواجهه با پدیده‌ای که به‌صورت نمایی تکثیر می‌شود اصرار بر استفاده از حساب‌سرا نگشتی داشته باشی. بدین ترتیب، در طول دهه ۱۹۵۰ میلادی، رادیو اروپا ی آزاد روزانه هزاران نفر را جمع‌مشتاقان سرمایه‌داری می‌افزود، حال آنکه دولت‌های مرکزی بلوک شرق، در خواب‌نوشین بامدادی خود، روزانه یک شش‌هروند را به جرم کار کردن برای این رسانه به‌صورت فیزیکی مورد بازجویی قرار می‌دادند.

این منطق را می‌توان به‌سادگی در بررسی تاریخچه مواجهه کشور با فناوری‌های نوظهور به‌ویژه در حوزه فاوا مشاهده کرد: هنگامی که اینترنت به‌عنوان یک پدیده نوپا روی میز تصمیم‌سازان قرار می‌گیرد، سودای تشکیل کمیته‌ها، کمیسیون‌ها و شوراهادر سر پروازنده می‌شود؛ غافل از اینکه در بهترین حالت، زمانی اولین خروجی کاغذبازی‌های پرلمطراق بدنه سیاستگذاری به ثمر می‌نشیند که در چشم برهم‌زدنی دنیای فناوری عرضه‌های بلاک‌چین، اقتصاد پلتفرمی و هزاران چیز دیگر رانزود دیده که به‌واقع نه‌پدید است کرائش؛ «مسئله‌ترازگی شبکه‌ملی اطلاعات در ایران نیز از قاعده‌یادشده مستثنی نیست؛ «شبکه‌ملی اطلاعات» به‌شاید مهم‌ترین سیاستی باشد که در قبال فناوری‌های تحول‌آفرین ارتباطی و اطلاعاتی تابه‌حال اندیشیده شده است و ای بسا مواجهه مردم با این عبارت سه کلمه‌ای به‌مثابه جایگزین اینترنت بین‌الملل نیز محصول همین ابهام فراگیر باشد؛ ابهام و سردرگمی بیش از هر چیز نه از حیث ماهیت بلکه، از نظر استراتژی و خط‌مشی کلان یک کشور برای ابراز وجود در مناسبات بین‌المللی. به‌عبارت دیگر، این پرسش که از شبکه ملی اطلاعات چه می‌خواهیم یا چه دغدغه‌ای ما را به اتخاذ چنین سیاستی رهنمون ساخته است (فلسفه وجودی)، مسلما مقدم بر چیستی و چگونگی مطرح می‌شود. شاید وقتش رسیده باشد که از هزارتوی درصدها عبور کنیم و بار دیگر به‌جای اندیشیدن درباره میزان تحقق که اساسا بحثی بی‌پایان است، به چرایی و منطق وجود این تحقق بپردازیم.

وضعیت فعلی؛ در تکاپوی تولید اسناد یا ارائه درصدها!

اگر نقطه آغاز جلسات سیاستی جهت تعیین حدود و ثغور شبکه ملی اطلاعات و راهبردی اجرایی برای تحقق آن در کشور را مساحتما سال ۱۳۹۵ قرار دهیم، با تصویب و ابلاغ سند طرح کلان و معماری در سال ۱۳۹۹، عملا کشور یک بازه زمانی چهارساله را صرف قانون‌مند کردن پدیده‌ای کرده که فهم ما از آن در بهترین حالت محصول چهار سال قبل است؛ چهار سال با تمام تحولات فناورانه و اقتصادی آن که عملا پیشنهادهای سیاستی گذشته‌تر را در کسری از ثانیه بی اثر یا کم‌اثر می‌سازد. هرچند، این مساله تا حدی نیز به معضل‌های نامساوی در مواجهه با فناوری‌های نوظهور اشاره دارد که الزاما مختص کشورهای درحال توسعه نیست؛ اینکه، ساختارهای تنظیم‌گرا نه موجود در تطبیق با شرایط در حال تغییر اجتماعی و اقتصادی (به‌ویژه در خصوص فناوری‌های

شود و در پاسخ به آن نیز گزارشی درباره توسعه خطوط فیبر نوری و دکل‌های ارتباطی با ۱۰ درصد ضریب تحقق، رسانه‌ای شود. معادله‌ای که می‌تواند به بی‌نهایت میل کند! در چنین شرایطی، کاهش ۲۵ درصدی اینترنت زیرساخت نیز سوپای اطمینانی است که تداوم ای چرخه را تضمین می‌کند. توزیع بارانه‌ای برای جبران هزینه‌های اجرایی و عملیاتی اپراتورها که عملا با خستگی ماندن در برابر ترا فیک بین‌الملل و داخل، مهر تأییدی بر وضعیت حاکم بر روابط‌ذی نفعان می‌زند. اکنون، در جای جای جهان می‌توانیم به سهولت مصادیقی از ملی‌گرایی دیجیتال و حمایت‌گرایی (متکی بر مشارکت یا بخش خصوصی) بیابیم. موجودیت‌هایی که مرزهای ملی و منطق‌های خود را نرود دیده، ضمن کسب محبوبیت میان کاربران اقصی نقاط جهان، موفق به تغییر قواعد بازی حتی در زمین سسیلکون ولی شده‌اند. تیک تاک، وی چت، یاندکس، تلگرام و... توانستند با محوریت رقابت‌پذیری داخلی و بین‌المللی، تداوم در ایجاد مزیت‌های رقابتی و ارائه خدمات کاربردی به‌طرز شگفت‌آوری در مناسبات سیاسی و اقتصادی فضای مجازی امضای خود را بر جای گذارند. این روند‌های ساختار شکن اما، هرگز به‌واسطه اتکای صرف بر فیلترینگ، ناگارش اسناد و تولید قوانین، تشکیل شوراهای عالی و غیرعالی، ن‌تکه‌تکه کردن فضای مجازی (انطباق‌پذیری بالا به پایین) یا اختصاص سوسید‌های زیرساختی بی‌حساب و کتاب یا به‌عرصه وجود نگذاشته‌اند.

مسیر پیش‌رو؛ ملی‌سازی در عصر جهانی شدن

واقعیت این است که برای گره‌زدن شبکه ملی اطلاعات به‌عنوان یک پروژه ملی با اعتقاد و باور کاربران نهایی (شهروندان دیجیتال) باید نوع نگاه به این پدیده را از بنیاد عوض کنیم؛ به‌تنهایی کس مخالف ملی‌سازی صنعت اینترنت با هدف افزایش صادرات، ایجاد اشتغال دانش‌بنیان و حرکت به‌سمت بازارهای جهانی نیست، بلکه اگر الای با کیفیت و غیراجرای (!) در سید مصرف ایرانی قرار گیرد، احتمالا برای اعتلای آن‌پذیرای تبعیض مثبت‌سیاستی نیز خواهد بود. می‌گویند چگونه است که تولیدکننده محتوای مادر ایران کار می‌کند، محبوبیت می‌یابد و برنامه می‌سازد، ولی محتوایش در پلتفرم غیر ایرانی و بر بستر زیرساخت غیر ایرانی میزبانی و نشر می‌یابد؟ پاسخ قدری سهل و متنوع است؛ کدام سرویس داخلی ظرفیت‌ارگانیک میزبانی و نگهداری (Hosting & Cloud Storage) از محتوایی را که کاربران ایرانی فقط در یک‌روز بر بستر اینستاگرام منتشر می‌کنند، داراست؟

ادامه در صفحه ۳

انا لله و انا الیه راجعون

ارتحال مجاهد فقید آیت‌الله شیخ عبدالامیر قبیلان (رضوان‌الله‌علیه) ریاست مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان موجب تأسف و تأثر فراوان گردید. این عالم برجسته جهان اسلام که اینجانب نیز توفیق آشنایی و همکاری سال‌های طولانی و نزدیک با ایشان را داشته‌ام، عمر بارک‌ت خویش را در راستای معرفی آموزه‌های عمیق اسلامی و معارف بلند اهل بیت (ع) و همچنین مقاومت و مبارزه در برابر توطئه‌ها و دشمنی‌های رژیم غاصب صهیونیستی در راستای آزادی قدس شریف و حمایت از آرمان‌های ملت مظلوم فلسطین به کار گرفت و منشا خدمات ارزنده و ماندگار بوده است.

اینجانب ارتحال این شخصیت ارزشمند را به محضر امام زمان (عجل‌الله)، حوزه‌های علمیه، دبیر کل حزب الله لبنان، مجلس اعلای اسلامی شیعیان، ملت و دولت لبنان و به‌ویژه بیت معظم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم رحمت و غفران الهی مسالت می‌نمایم.

علی‌اکبر ولایتی